



حمایت آمریکا از عربستان
در جنگ یمن بی دلیل نیست

**جنگ برای کسب
دومیلیارد دلار سود!**

جهان ۵

نوسعه ایران

ترزای در سالزبورگ
تحقیر شد

**نخست وزیر انگلیس
بر سر دوراهی برگزیت**

جهان ۴



۱۹ مسافر در جاده نطنز زنده زنده سوختند

فاجعه آتشین

اتوبوس مرگ

حوادث ۱۰

دبیر کل خانه کارگر تأکید کرد:

**لزوم شناور شدن
دستمزد کارگران**

دسترنج ۷

نقدی بی پرده بر چاپ «قورماغه ای روی
تیفال» سیدرضا خاتمی

**سرودن شعر «تخم مرغی
باطعم شامپوی سیر»**

کتاب ۹

نگاهی به تفاوت بزرگ پرسپولیس
در لیگ قهرمانان نسبت به فصل گذشته

جادوی آزادی

آدرنالین ۱۱



روحانی برای حضور در مجمع عمومی
سازمان ملل فردا به نیویورک می رود

**حاشیه های
مهم تر از متن!**

از آن زمان که شهید رجایی به عنوان اولین نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل حاضر شد و کف پای خود را در معرض لنز دوربین های جهانی گذاشت تا سند شکنجه های دوران پهلوی باشد، حدود چهار دهه گذشته است. در این سال ها حضور هر از گاهی ایران در این سازمان، هر بار با حاشیه هایی همراه بوده؛ از سخنرانی های علی اکبر ولایتی و آیت الله خامنه ای در مورد جنگ گرفته تا طرح گفتگوی تمدن ها از سوی کمال خرازی در دولت اصلاحات و سخنرانی های جنجالی احمدی نژاد درباره هولوکاست و تحریم ها که معمولاً با صندلی های خالی مواجه می شد. رکورددار حضور در سازمان ملل تا بدین جای تاریخ جمهوری اسلامی، محمود احمدی نژاد با ۹ بار حضور در مجمع عمومی سازمان ملل است و کمترین رکورد هم به نام هاشمی رفسنجانی ثبت شده است که گفته می شود حداکثر یک بار در این سازمان بین المللی حاضر شده است...

سیاست ۲



سامسونگ
SAMSUNG

تلویزیون QLED

نهایت رنگ، زیبایی زندگی

فقط با ضمانت ۵ ساله
۰۲۱-۸۲۵۵ سرویس

سر مقاله

بوی ماه مهر!

روزهای آغازین سال جدید تحصیلی، دلهره آور است؛ چه یک کلاس اولی بی تجربه باشیم، چه کسی که سال هاست از مدرسه و دانشگاه، خلاص شده. این دلهره، و حال و هوایش، هرگز آدمی را که ما باشیم و در این سامان درس خوانده باشیم، تادم مرگ رها نخواهد کرد.

پاییز برای ما، کودک تا میان سال، با دلهره و دلشوره خاصی آغاز می شود. حتی بزرگ تریایی که از «حصار» این «اجبار» بیرون بریده اند، اول مهر، همان دلهره و اضطراب رابه همان میزان، احساس می کنند.

اما این دلهره، در فازهای کم و زیاد، باشدت وضعف، دست از سر هیچ کدام از ما بر نمی دارد، اگر خودمان از «نظام» درس و مدرسه خلاص شده باشیم؛ از این به بعد باید با ترس و دلهره و واکنش های عصبی فرزندان مان مواجه شویم. «نظام» ی که با انواع و اقسام شیوه های تولید فشار و استرس، فرزندان ما را دچار آشفتگی های ذهنی-روانی و جسمی کرده اند.

بنابیه گفته روان شناسان، بسیاری از دانش آموزان ما، دچار مشکلات روانی هستند. این آسیب های روانی، موجب می شود دانش آموزان، رفتارهای پرخطر از خود نشان دهند؛ اعتیاد، رفتارهای خارج از نرم و هتجار اجتماعی، اختلال در ایجاد روابط دوستانه و ورود به رابطه های پرخطر، پنهان کاری، کم حرفی، گوشه گیری و... تنها نمونه های دم دستی از این نوع اختلالات است.

در کشور ما، از همان روز اول تاسیس مدارس، مدرسه با پادگان، یکی انگاشته شده؛ همان نظام و سیستم کنترل گرانه و اطاعت محور که بر پادگان های نظامی حاکم بوده و هست، بر مدارس ما نیز حاکم بوده و هست:

دانش آموزان!
از جلو نظام!
خبر دار!

همه ما، هر سال مدرسه را با چنین جملاتی آغاز کرده ایم و ادامه داده ایم. همه ما مراسم

صبحگاه مدارس را با شدت و ضعف های متفاوت، اما شکل و شمایل یکسان، تجربه کرده ایم.

جشن آغاز سال تحصیلی، که به جشن شکوفه ها مشهور است، تولید نمایی «شادی» از حضور در مدرسه است و در واقع حقنه کردن این حس به دانش آموزان است؛ قرار است به شما در مدرسه خوش بگذردا در حالی که همین مراسم، با آن ماجراهای شلوغ و دست و پاگیر، و پر سر و صدا، هرگز شبیه آن چیزی نیست که از فردا در مدرسه آغاز می شود؛ صف بستن ها، توپ و تشر ناظم و مدیر مدرسه را شنیدن، تاکید بر اطاعت و عدم اعتراض به رفتار و گفتار معلم و اولیای مدرسه، حمل کردن، و بردن و آوردن تعداد زیادی کتاب و دفتر با حجم فزاینده، انجام تکالیف طاقت فرسایی که گشاینده هیچ چشم انداز و دریغی نسبت به آینده آنان نیست و تنها از این دانش آموزان موجودی فرسوده و خسته، می سازند که با تلنگر کمترین اعتراض و فشار از سوی اولیا، در نهایت پای در مسیر خودکشی و حذف خود می گذارند؛ در این مورد کافی است تنها یک نیم نگاه به افزایش میزان خودکشی و خودزنی، در میان دانش آموزان ببندازیم.

مدارس ما برای دانش آموزان یونیفورم پوشی که در یک مراسم صبح گاه مطول و تمام و کمال، پا به پامی شوند، پادگان هایی هستند که راه شکوفایی هر استعداد و خلاقیت را برای آنان، مسدود می کنند. هر دانش آموزی که بخواهد «خود»ش باشد و با ایتکات و خلاقیت، و نیز سواد غیر مدرسه ای که از لایه لای کتاب هایی با مضامین تاریخ مصرف گذشته، بیرون نیامده، آن «خود» را نشان دهد، با تهدید و ارباب خاموش و متوقف می شود، اولین تهدید، در نمره انضباط خود را نشان می دهد؛ دانش آموز، در مدارس ما محکوم به «ضبط و ربط»ی است که هیچ کم از یک پادگان نظامی نمی آورد.

نظام آموزش و پرورش ما هرگز دیالوگ محور نبوده است؛ هرگز از دانش آموز نخواستند و به او اجازه نداده اند که حرف بزند

و درگیر یک دیالوگ سازنده با آموزگاران خود شود. نظام آموزش و پرورش ما، نظامی تک صدایی است که در آن فقط یک صدا، یک دستور و یک قانون آن هم از سوی یک گروه خاص که خود را متولیان آموزش می دانند، شنیده و اعمال شود. این نظام، به واسطه «نظام» بودنش، هیچ نوع مهارت زندگی به دانش آموزان نمی آموزد، و سازو کار تعامل فردی و اجتماعی را به آنان نمی آموزد.

نظام آموزش و پرورش ما، متوجه این مسئله مهم نیست که روز اول مهر، در واقع، روز اول خلقت است، والدین، در روز اول مهر، فرزندان نواخته خود را مثل موادی خام، در اختیار این نظام می گذارد، تا انسان هایی تربیت کند که بتوانند در آینده رفاه و عدالت و دموکراسی محور این سرزمین، نقش موثر و سازنده ایفا کنند. اما، چگونه ممکن است یک نظام تک صدایی که هر چه را خودش درست و لازم و مفید می داند، و به صورت یک طرفه، در سر کودکان خالی می کند، تفکر و برنامه خاصی در مورد آینده آنان، و نقشه ای برای رفاه و عدالت و آسودگی روانی و امنیت ذهنی و جانی فرزندان این سامان داشته باشد؟

زنگ روز اول مهر، دقیقاً «زنگ زدگی» ذهنی و عینی این نظام را فریاد می زند؛ روش ها، آموزگاران، ساختمان و بدنه فیزیکی و حتی حال و روح و فضای آموزش و پرورش، زنگ زده است و در حال متلاشی شدن، و دقیقاً همین نظام با پیکره زنگ زده است که در تلاشی جانفرسا و خرد کننده، می خواهد به هر روش ممکن و ناممکنی، دانش آموزان را «کنترل» کرده و استقلال فردی و اندیشایی آنان را نابود کند. ما هر سال حدود ۱۴ میلیون نیروی جوان و پتانسیل آماده بهره برداری را، با پوشش و حال و هوای زندانیان، وارد این پیکره و اتمسفر زنگ زده می کنیم. این نظام چنان فرسوده و زنگ زده است که پیچ و مهره پیکره اش، با هر نوع و روش روغن کاری به سامان نمی رسد و نیازمند آن است که از نو، و از پی و زیر بنا، بازسازی و باز تعریف شود.